

بررسی ارتباط بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات با اجتناب از مالیات و محتوای اطلاعاتی آن

احمد خدای پور

دانشیار بخش حسابداری دانشگاه شهید باهنر کرمان
Khodamipour@yahoo.com

شکوفه روستایی

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه شهید باهنر کرمان

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۲۰

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی تأثیر هموارسازی درآمد مشمول مالیات بر اجتناب از مالیات و محتوای اطلاعاتی آن است. بدین منظور، نمونه ای متشکل از ۹۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شده است. معیار مورد استفاده جهت سنجش اجتناب از مالیات، نرخ مؤثر مالیاتی نقدی می باشد. فرضیه های تحقیق با استفاده از مدل های رگرسیون چند متغیره در قالب روش داده های پانل تجزیه و تحلیل شده اند. نتایج حاکی از آن است که بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات و نرخ مؤثر مالیاتی نقدی رابطه ی منفی و معنی داری وجود دارد. این نتیجه در راستای این واقعیت است که هموارسازی درآمد مشمول مالیات، عدم قطعیت مربوط به مزایای مالیاتی آتی را کاهش می دهد و این امکان را برای شرکت ها فراهم می آورد تا استراتژی اجتناب از مالیات موفق تری را بکار گیرند. همچنین نتایج گواه آن است که رابطه ی منفی و معنی داری بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات و محتوای اطلاعاتی آن وجود دارد و هموارسازی درآمد مشمول مالیات محتوای اطلاعاتی آن را کاهش می دهد.

واژه های کلیدی: هموارسازی سود، درآمد مشمول مالیات، اجتناب از مالیات، محتوای اطلاعاتی سود.

۱- مقدمه

درآمد مشمول مالیات و فعالیت های آتی شرکت در زمینه اجتناب از مالیات می پردازد. در این مطالعه همچنین به بررسی ارتباط بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات و محتوای اطلاعاتی آن پرداخته می شود. نتایج این پژوهش می تواند سازمان امور مالیاتی و حسابرسان مالیاتی را در رسیدگی سریع تر به هزینه مالیات یاری رساند. هم چنین به سرمایه گذاران حقیقی و حقوقی در جهت سرمایه گذاری در یک شرکت و آگاهی از سیاست شرکت مورد نظر در رابطه با سود و هموارسازی آن کمک خواهد کرد. بنابراین پژوهش حاضر تلاش می کند پاسخی علمی برای پرسش های زیر پیدا کند:

- ۱) آیا بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات با اجتناب از مالیات آتی رابطه ی معنی داری وجود دارد؟
- ۲) آیا بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات با محتوای اطلاعاتی آن رابطه ی معنی داری وجود دارد؟

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

تعاریف ارائه شده از هموارسازی سود متنوع است، به گونه ای که هر پژوهشگری با توجه به روشی که برای هموارسازی سود استفاده می کند، تعریفی ارائه کرده است. بسیاری از پژوهشگران همپ ورث^۱ را نخستین معرف رفتار هموارسازی سود می دانند. هموارسازی سود اقدام آگاهانه ای است که مدیران به منظور کاهش نوسانات دوره ای سود در چارچوب اصول و روش های متداول حسابداری به آن دست می زنند. پژوهش های پیشین بیشتر به مقوله سود خالص و هموارسازی آن پرداخته اند در حالی که این پژوهش به تحقیقات در حال ظهور که به بررسی نقش هموارسازی درآمد مشمول مالیات می- پردازند، کمک می کند.

این درحالی است که، مبنای تعیین سود مشمول مالیات (سود مالیاتی)، سود قبل از کسر مالیات (سود حسابداری) است ولی به علت تفاوت بین حسابداری مالی و حسابداری مالیاتی اختلافاتی بین این دو مورد وجود دارد زیرا در حسابداری به دلیل اصل محافظه کاری، درآمد ها به کمترین میزان ممکن و هزینه ها به بیشترین

بازی بین مراجع مالیاتی، شرکت ها و افراد از دیرباز جز رقابت های طبیعی و لذت بخش بوده است. هرگاه مرجع مالیاتی برای حل اختلاف موجود قانون جدیدی وضع کرده است، شرکت در تلاش برای ایجاد مجدد این اختلاف استراتژی خود را تغییر داده است تا از مزیت این اختلاف به نفع خود استفاده کند. شرکت ها تمایل دارند سود های خود را در تلاش برای رسیدن به پیامدهای خاص گزارشگری مالی (مایرز و همکاران، ۲۰۰۷) و انتقال اطلاعات به شرکت کنندگان در بازار (تاکر و زاروین، ۲۰۰۶) هموارسازی کنند و به این طریق از خروج نقدینگی به خصوص در مواردی که شرکت بدهی مالیاتی قابل توجهی دارد جلوگیری کنند. پدیده هموارسازی سود در طول نیم قرن اخیر برای محققان حسابداری و مالی موضوع جالبی بوده است. به نظر می رسد اهمیت این موضوع نشأت گرفته از جایگاه ویژه و نسبتاً منحصر به فرد مقوله سود در مباحث حسابداری و امور مالی است. این پدیده به رفتار آگاهانه ای اطلاق می شود که به منظور کاهش نوسان های دوره ای سود و با استفاده از ابزار معین حسابداری شکل می گیرد.

افزون بر این، نتایج تحقیقات اخیر در کشورهای خارجی نشان می دهد که برخی از شرکت ها انگیزه هایی برای کاهش نوسانات درآمد مشمول مالیات خود دارند (گراهام و اسمیت، ۱۹۹۹؛ لو و نیسیم^۱، ۲۰۰۴) و همچنین درآمد مشمول مالیات اطلاعات ارزشمندی را برای شرکت کنندگان در بازار فراهم می کند (هانلون و همکاران، ۲۰۰۵). حال با توجه به اهمیت هریک از موارد ذکر شده و با در نظر گرفتن این موضوع که مالیات مهم ترین منبع تأمین مالی هزینه های حاکمیتی دولت در هر کشوری محسوب می شود و هدف حسابداری فراهم آوردن اطلاعات مالی برای استفاده کنندگان، در جهت کمک به بهبود فرآیند تصمیم گیری می باشد انجام پژوهشی جهت بررسی تأثیر هموارسازی درآمد مشمول مالیات بر اجتناب از مالیات و محتوای اطلاعاتی آن ضرورت پیدا می کند. هدف مطالعه حاضر بررسی اثرات بالقوه هموارسازی درآمد مشمول مالیات می باشد. به طور خاص، این مطالعه به بررسی ارتباط بین هموارسازی

مالیات دوره جاری را در ازای مزایای دیگر افزایش دهند. شواهد سطحی نشان می دهند که شرکت های حسابداری عمومی خدمات برنامه ریزی مالیاتی را برای معاملات دارای ساختار استراتژیک ارائه می نمایند و روشهای مطلوب حسابداری را که منجر به تعویق درآمد مشمول مالیات می شوند، شناسایی می کنند (آیزر و همکاران^۴، ۲۰۱۱).

یکی از ابزارهای هموارسازی درآمد مشمول مالیات، تغییر درآمد در طول سال مالیاتی و نیز استفاده از ابزارهای مالی مانند گزینه معاوضه می باشد. به عنوان مثال، شولز و همکاران (۱۹۹۲)^۵ و گئونتر^۵ (۱۹۹۴) در تحقیقات خود مشاهده کردند که شرکتها تأیید درآمد خود را در سالهای ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ به منظور بهره برداری از کاهش نرخ مالیات درآینده به تعویق انداختند. هم چنین درجهت هموارسازی درآمد مشمول مالیات، می توان استراتژی های مالیاتی برای تسریع درآمد مشمول مالیات، از جمله تغییرات در روش ثبت حسابداری برای شناسایی درآمد، قوانین سرمایه گذاری و کسریهای تکرار شونده را مورد استفاده قرار داد تا از مزایای مالیاتی یا اعتبارات مالیاتی برخوردار شد (هانوی و ونس^۶، ۲۰۱۰).

از طرفی تعاریف متفاوتی از اجتناب از پرداخت مالیات به وسیله ی محققان ارائه شده است. در این راستا پاسترناک و ریکو^۷ (۲۰۰۸)، اجتناب از پرداخت مالیات راه استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی، به منظور کاهش مقدار مالیات قابل پرداخت به وسیله ابزارهایی که در خود قانون است، تعریف کرده اند. به عبارت دیگر، اجتناب از پرداخت مالیات کاهش تعهدات مالیاتی فرد با دور زدن قانون یا استفاده کامل از ظرایف قانونی است. در این پژوهش انتظار می رود که هموارسازی درآمد مشمول مالیات، عدم قطعیت مربوط به مزایای مالیاتی آتی را کاهش دهد و این امکان را برای شرکت ها فراهم آورد تا استراتژی اجتناب از مالیات موفق تری را بکار گیرند. هانلون و سمراد^۸ (۲۰۰۹) در زمینه سپردهای مالیاتی مشاهده کردند که شرکت ها اقدام به استفاده از استراتژیهای برنامه ریزی می نمایند و از هیچ تلاشی جهت به حداکثر رساندن سود و حداقل کردن بدهی مالیاتی خود دریغ نمی کنند. برنامه ریزی مالیاتی را می

میزان ممکن شناسایی می شوند و در نتیجه اصل بر شناسایی سود کمتر است، در حالی که در قوانین مالیاتی (به استثنای قوانین مربوط به معافیت ها و بخشودگی های مالیاتی ناشی از سیاست های تشویقی دولت) در بیشتر اوقات به دلایل متعددی، اصل بر شناسایی سود بیشتر می باشد و بر همین اساس هیچ گاه سود حسابداری و سود مالیاتی برابر نخواهند شد و سود حسابداری با تعدیلاتی به سود مشمول مالیات تبدیل می گردد (شمس زاده و ذکوری، ۱۳۸۷).

افزون بر این، در چارچوب گزارشگری مالی، هموارسازی مستلزم تخصیص سود در طول دوره های زمانی مختلف جهت گزارش ارقام قابل مقایسه در طول سال است. در برخی موارد، شرکت ها باید از طریق به تعویق انداختن درآمد یا تسریع کردن مخارج جهت بدست آوردن سود در آینده، در دوره جاری متحمل هزینه هایی شوند. دیفاند و پارک^۳ (۱۹۹۷) مشاهده کردند که هنگامی که عملکرد فعلی شرکت نسبت به عملکرد موردانتظار ضعیف باشد، مدیران شرکت تمایل دارند تا از طریق اقلام تعهدی به هموارسازی سود بپردازند و سودهای آتی را به دوره جاری منتقل کنند. همچنین هنگامی که عملکرد جاری شرکت نسبت به عملکرد مورد انتظار بهتر باشد مدیران درصددند تا از طریق اقلام تعهدی کاهنده سود، سود را برای دوره های آتی ذخیره کنند. این موضوع بدین معناست که شرکت ها سود های خود را در دوران مساعد کاهش داده تا بتوانند در دوران نامساعد، سود را افزایش دهند.

در زمینه هموارسازی درآمد مشمول مالیات، شرکت ها ممکن است درآمد مشمول مالیات دوره جاری را در ازای مزایای دیگر افزایش دهند و یا اینکه به منظور بهره برداری از پیش بینی کاهش نرخ مالیات در آینده، درآمد مشمول مالیات را به آینده انتقال دهند. به عبارت دیگر در صورتی که ارزش فعلی مزایای مالیاتی آتی بیش از هزینه درآمد مشمول مالیات در دوره جاری باشد، شرکت ها ممکن است به صورت عقلانی هزینه دوره جاری را به خاطر مزایای آتی هموارکنند و هموارسازی مستلزم به تعویق انداختن درآمد مشمول مالیات به زمانهای آینده باشد. همچنین شرکت ها ممکن است درآمد مشمول

می کنند که مدیران درآمد مشمول مالیات را بر اساس انتظارات خود از درآمد مشمول مالیات در آینده هموارسازی می کنند، که به نوبه خود با درآمد های آینده و جریان های نقدی ارتباط دارد.

از سوی دیگر، هانلون و همکاران (۲۰۰۵) معتقدند که اگرچه درآمد مشمول مالیات حاوی اطلاعات مفید می باشد، اما سهامداران عمدتاً برای ارزیابی عملکرد خود به درآمد دفتری متکی هستند و از آنجا که ماهیت درآمد مشمول مالیات لزوماً انتقال اطلاعات به سهامداران نیست، احتمال کمتری می رود که مدیران درآمد مشمول مالیات را مشخصاً جهت انتقال اطلاعات هموارسازی کنند. بنابراین به میزانی که شرکت به خاطر افزایش احتمال پیامدهای خاص مالیاتی و نه انتقال اطلاعات به هموارسازی درآمد مشمول مالیات بپردازد، هموارسازی باعث ورود اختلال و ناخالصی به درآمد مشمول مالیات می شود و محتوای اطلاعاتی آن را کاهش می دهد (می بری و همکاران، ۲۰۱۲؛ کالینز و همکاران، ۱۹۹۴). افزون بر این، ممکن است درآمد مشمول مالیات هموار شده در مقایسه با درآمد مشمول مالیات بسیار متغیر از سوی مقامات مالیاتی کمتر مورد توجه قرار گیرد و ممکن است کاهش محتوای اطلاعاتی درآمد مشمول مالیات به عنوان یک هدف مدیریتی تلقی شود زیرا اطلاعات در دسترس مراجع مالیاتی را کاهش می دهد. همچنین بر اساس شواهد ارائه شده از سوی جیانگ و لاپلانته^۱ (۲۰۰۹)، برنامه ریزی مالیاتی، عملکرد واقعی شرکت را مبهم و نامشخص می سازد و اطلاعات مربوط به درآمد مشمول مالیات جهت توضیح بازده سهام را کاهش می دهد. بنابراین انتظارات متضادی در مورد چگونگی تأثیرگذاری هموارسازی درآمد مشمول مالیات بر محتوای اطلاعاتی آن وجود دارد.

پژوهش های خارجی انجام شده به صورت زیر می باشد:
آیز و همکاران (۲۰۰۹)، در پژوهشی تحت عنوان درآمد مشمول مالیات به عنوان یک معیار اندازه گیری عملکرد، محتوای اطلاعاتی درآمد مشمول مالیات را مورد بررسی قرار دادند. فرضیات پژوهش به صورت زیر می باشد:

توان به عنوان سازماندهی امور مالی و تجاری با بهره گیری کامل و قانونی از تمام مبالغ کسر شده، معافیت ها، تخفیف ها و بازپرداخت ها تعریف کرد به طوری که بدهی مالیاتی به حداقل میزان ممکن کاهش یابد.

لو و نیسیم (۲۰۰۴) معتقدند که هموارسازی درآمد مشمول مالیات یک راهبرد برنامه ریزی مالیاتی است. در این راستا، شولز و همکاران (۲۰۰۱) نیز معتقدند که درآمد مشمول مالیات متغیر ممکن است یک محیط نامطمئن را با محدودیت های بسیار ایجاد کند که باعث کاهش استراتژیهای برنامه ریزی شود. بر این اساس، قابلیت پیش بینی درآمد مشمول مالیات نقش مهمی در فرآیند برنامه ریزی مالیاتی شرکت ها ایفا می کند زیرا پیش بینی مزایای مالیاتی آتی مستلزم برآورد درآمد مشمول مالیات و نرخ مالیات آتی است. به عنوان مثال، گزارش Amazon.com's 2010 10-K ذکر می کند که "نرخ مؤثر مالیات به خاطر عوامل مختلف، از جمله بی ثباتی در دقت پیش بینی درآمد مشمول مالیات در معرض نوسان قابل توجهی قرار دارد." افزون بر این، عدم دقت در پیش بینی درآمد مشمول مالیات آتی، توانایی اطمینان از مزایای مالیاتی در طراحی معاملات به شیوه مطلوب مالیاتی و بازگشت سود سرمایه گذاری در برنامه ریزی مالیاتی را کاهش می دهد (می بری و همکاران، ۲۰۱۲؛ گراهام، ۱۹۹۶؛ شولین، ۱۹۹۰).

افزون بر این، اطلاعات حسابداری یکی از منابع مهم اطلاعاتی برای تصمیم گیری های اقتصادی است و محتوای اطلاعاتی یک معیار حسابداری، به میزان استفاده و فایده آن در فرآیند تصمیم گیری استفاده کنندگان از اطلاعات اشاره دارد. هانلون و همکاران (۲۰۰۵)، محتوای اطلاعاتی درآمد مشمول مالیات را به عنوان توانایی درآمد مشمول مالیات محاسبه شده برای خلاصه کردن اطلاعات منعکس شده در بازده سهام تعریف می کنند. نتایج تحقیقات آیز و همکاران (۲۰۰۹) نشان می دهد که درآمد مشمول مالیات اطلاعات ارزشمندی را برای شرکت کنندگان در بازار فراهم می کند. لو و نیسیم (۲۰۰۴) استدلال می کنند که هموارسازی درآمد مشمول مالیات یک راهبرد برنامه ریزی مالیاتی است که باید محتوای اطلاعاتی آن را افزایش دهد. به طور خاص، آنها استدلال

دوره زمانی پژوهش ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۹ می باشد. نتایج نشان داد که بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات و اجتناب از مالیات آتی رابطه‌ی مثبت و معنی داری وجود دارد. همچنین بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات و محتوای اطلاعاتی آن رابطه‌ی منفی و معنی داری وجود دارد و به عبارت دیگر هموارسازی درآمد مشمول مالیات باعث کاهش محتوای اطلاعاتی آن می شود.

پژوهش های داخلی انجام شده به صورت زیر می باشد:

نوروش و سپاسی (۱۳۸۴) در پژوهشی تحت عنوان بررسی مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس تهران رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و مدیریت سود را تحت یکی از فرضیه های پژوهش مورد آزمون قرار دادند. جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۲ می باشد که از میان جامعه مورد نظر نود شرکت به صورت نمونه گیری تصادفی انتخاب شد که داده های مربوط به مدیریت سود آنان از صورت های مالی این شرکت ها جمع آوری گردید. به دلیل نوع داده های مورد مطالعه - مقایسه هم زمان داده های مقطعی و طولی - از نرم افزار Eviews 6.0 استفاده شد و هم چنین به منظور بررسی مدیریت سود در شرکتهای ایرانی از روش جونز استفاده شده است. یافته ها نشان می دهد که مدیران شرکت های بزرگ از ارقام تعهدی برای کمتر کردن مالیات شرکتهایشان استفاده می نمایند و لذا فرضیه سوم مبنی بر تمایل به مدیریت سود منفی در صورت افزایش نرخ مؤثر مالیات مورد تأیید قرار گرفت.

پژوهش هاشمی و صمدی (۱۳۸۸)، با عنوان آثار هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی آن در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. در این مقاله تأثیر هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی آن بررسی شده است. سوال مطرح این است که آیا هموارسازی، سود را تحریف می کند و یا منجر به بهبود محتوای اطلاعاتی آن جهت پیش بینی سود، جریانهای نقدی عملیاتی و ارقام تعهدی آتی می شود. در این پژوهش به منظور پاسخگویی به سوال مذکور، سه فرضیه تدوین شد. جامعه آماری پژوهش، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق

فرضیه اول: شرکت هایی که برنامه ریزی مالیاتی بیشتری دارند دارای درآمد مشمول مالیات با محتوای اطلاعاتی کمتری نسبت به سایر شرکت ها هستند.

فرضیه دوم: شرکتهای با کیفیت سود پایین تر دارای درآمد مشمول مالیات مفیدتری (حاوی اطلاعات مفیدتری) هستند. در این پژوهش از مدل جونز تعدیل یافته استفاده شده است. نتایج نشان می دهد که درآمد مشمول مالیات زمانی که شرکت ها اجتناب از مالیات بالایی دارند، قدرت آگاهی بخشی کمتری نسبت به درآمد حسابداری مالی دارد اما زمانی که درآمد صورت های مالی دارای کیفیت کمتری است، درآمد مشمول مالیات از توانایی آگاهی بخشی بالاتری برخوردار است.

گوان و پورجلالی^{۱۱} (۲۰۱۰)، در پژوهشی تحت عنوان اثر محیط فرهنگی و مقررات حسابداری بر مدیریت سود، به بررسی رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و مدیریت سود پرداختند. نمونه نهایی در این پژوهش، مشاهدات ۸۴۷۴۸ شرکت در بین ۲۷ کشور طی سالهای ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۱ می باشد. در این پژوهش از مدل جونز تعدیل یافته برای اندازه گیری ارقام تعهدی اختیاری و هم چنین از رگرسیون مقطعی، استفاده شده است. از آن جا که تعیین نرخ واقعی مالیات (تعیین نرخ مالیات بدون در نظر گرفتن مدیریت سود) امکان پذیر نمی باشد، از میانگین نرخ مؤثر مالیاتی که براساس کل مالیات پرداختنی شرکت و کل درآمد مشمول مالیات شرکت محاسبه می شود، استفاده شده است. نتایج نشان می دهد که هرچه این نرخ بالاتر باشد، تمایل به استفاده از روش های کاهشده سود، توسط مدیران شرکت ها بیشتر می شود.

پژوهش می بری و همکاران (۲۰۱۲)، با عنوان هموارسازی درآمد مشمول مالیات، اجتناب از مالیات و محتوای اطلاعاتی درآمد مشمول مالیات. این پژوهش به بررسی این مسأله می پردازد که آیا بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات و اجتناب از مالیات آتی رابطه‌ی معنی داری وجود دارد یا خیر. همچنین در این پژوهش اثر هموارسازی درآمد مشمول مالیات بر محتوای اطلاعاتی آن بررسی شده است. در این پژوهش از نرخ مؤثر مالیاتی جاری و نرخ مؤثر مالیاتی نقدی به عنوان معیارهای سنجش اجتناب از مالیات استفاده شده است.

۴- روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع همبستگی با استفاده از اطلاعات تاریخی به صورت پس رویدادی یعنی با استفاده از اطلاعات گذشته است. داده های واقعی شرکت ها به صورت پانل داده و سال شرکت مورد بررسی قرار گرفته است. این کار با بهره گیری از الگوی رگرسیون چندگانه انجام گردید. جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشند که از سال ۱۳۸۱ لغایت ۱۳۹۰ در بورس فعال بوده اند. لازم به توضیح است که در این پژوهش داده ها طی سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند اما برای محاسبه متغیر هموارسازی درآمد مشمول مالیات در سال ۱۳۸۳ نیاز به داده های سال ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ می باشد. همچنین برای محاسبه نرخ مؤثر مالیاتی نقدی ۳ ساله در سال ۱۳۸۷ که معیار سنجش اجتناب از مالیات آتی می باشد نیاز به داده های سال ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ می باشد. بنابراین داده های پژوهش مربوط به سال های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ می باشند. روش نمونه گیری در این پژوهش، روش حذفی سیستماتیک می باشد و شرکت هایی که دارای شرایط زیر نبوده اند از نمونه آماری کنار گذاشته شده اند:

(۱) شرکت هایی که تا پایان سال ۱۳۸۰ در بورس

اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.

(۲) شرکت هایی که در پایان سال مالی سود قبل از کسر مالیات آنها مثبت باشد یا به عبارتی سودآور باشند.

(۳) در زمره شرکت های سرمایه گذاری و واسطه گری مالی به دلیل متفاوت بودن ماهیت فعالیت آنها قرار نگرفته باشند.

(۴) سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد و در دوره مورد نظر تغییر سال مالی نداده باشند.

(۵) اطلاعات مورد نیاز جهت انجام این پژوهش در مورد آنها وجود داشته باشد.

پس از حذف شرکت های فاقد شرایط مذکور، تعداد ۹۲ شرکت به عنوان نمونه باقی مانده است و با توجه به ماهیت پانلی داده ها، تعداد مشاهدات این پژوهش ۴۶۰ سال - شرکت می باشد.

بهادار تهران بوده، و برای تعیین شرکت ها به منظور آزمون فرضیه ها از روش حذفی استفاده شده است. فرضیات پژوهش به صورت زیر می باشد:

فرضیه اول: هموارسازی سود، توانایی سود در پیش بینی سود های آتی را افزایش می دهد.

فرضیه دوم: هموارسازی سود، توانایی سود در پیش بینی جریان وجه نقد ناشی از فعالیت های عملیاتی آتی را افزایش می دهد.

فرضیه سوم: هموارسازی سود، توانایی سود در پیش بینی ارقام تعهدی آتی را افزایش می دهد.

به منظور بررسی فرضیه های پژوهش، از رویکرد کالینز و همکاران استفاده شده است. نتایج حاکی از تأیید فرضیه اول و دوم و رد فرضیه سوم می باشد.

پژوهش حساس یگانه و گل محمدی شورکی (۱۳۹۰)، با عنوان رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و ویژگی های شرکت ها. هدف اصلی در این مقاله سنجش نرخ مؤثر مالیات و بررسی رابطه آن با نوع صنعت، سودآوری، اندازه شرکت، اهرم مالی، شدت سرمایه گذاری و ساختار مالکیت به عنوان ویژگی های شرکت می باشد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که میانگین نرخ مؤثر مالیاتی، به نرخ قانونی مالیات بر درآمد نزدیک است و تقریباً هر صنعت دارای نرخ مؤثر مالیاتی مخصوص به خود می باشد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که بین نرخ مؤثر مالیات با اندازه شرکت و سودآوری رابطه منفی و معنی داری وجود دارد و با اهرم مالی، رابطه مثبت و معنی داری برقرار است. در ضمن بین نرخ مؤثر مالیات و ساختار مالکیت و شدت سرمایه گذاری رابطه معنی داری مشاهده نشد.

۳- فرضیه های پژوهش

با توجه به مبانی نظری یاد شده دو فرضیه به صورت ذیل عنوان و ارائه شده است:

(۱) بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات با اجتناب

از مالیات آتی رابطه ی معنی داری وجود دارد.

(۲) بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات با محتوای

اطلاعاتی آن رابطه ی معنی داری وجود دارد.

۵- مدل و متغیرهای پژوهش

مدل مورد استفاده در این پژوهش برای آزمون فرضیه اول، مدل رگرسیون خطی چندگانه به شرح زیر است:

$$CASHETR_{i,t+3} = \alpha_0 + \beta_1 SMOOTH_{i,t} + \beta_2 PISMOOTH_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 CAPINT_{i,t} + \beta_5 ROA_{i,t} + \beta_6 SIZE_{i,t} + \varepsilon$$

که در این مدل:

CASHETR: نشانگر نرخ مؤثر مالیاتی نقدی شرکت i در سال $t+3$ می باشد که در این تحقیق برای سنجش اجتناب از مالیات به کار برده می شود و به ترتیب زیر بدست می آید:

$$CASHETR = \frac{\sum_{t+1}^{t+3} TXPDI}{\sum_{t+1}^{t+3} PI}$$

که در آن TXPDI بیانگر مالیات پرداختی و PI سود قبل از کسر مالیات می باشد.

$SMOOTH_{i,t}$: بیانگر هموارسازی درآمد مشمول مالیات شرکت i در سال t می باشد و به ترتیب زیر بدست می آید: انحراف معیار مالیات پرداختی (TXPDI) همگن شده با کل دارایی ها از سال $t-2$ تا سال t .

$PISMOOTH_{i,t}$: بیانگر هموارسازی سود قبل از کسر مالیات شرکت i در سال t می باشد و به ترتیب زیر بدست می آید: انحراف معیار سود قبل از کسر مالیات (PI) همگن شده با کل دارایی ها طی سال $t-2$ تا سال t .

$LEV_{i,t}$: اهرم مالی شرکت i در سال t می باشد که از طریق تقسیم مجموع بدهی شرکت به کل دارایی حاصل می شود.

$CAPINT_{i,t}$: نشانگر شدت سرمایه گذاری در دارایی های ثابت برای شرکت i در سال t می باشد که از تقسیم مجموع دارایی های ثابت به کل دارایی ها به دست می آید.

$ROA_{i,t}$: بیانگر بازده دارایی های شرکت i در سال t می باشد که از تقسیم سود قبل از کسر مالیات به کل دارایی ها به دست می آید.

$SIZE_{i,t}$: بیانگر اندازه شرکت i در سال t می باشد که از طریق لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به دست می آید.

در این پژوهش از مدل زیر جهت بررسی محتوای اطلاعاتی درآمد مشمول مالیات استفاده می شود که به صورت زیر می باشد:

$$RET_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 \Delta TI_{i,t} + \varepsilon$$

همچنین برای آزمون فرضیه دوم، از مدل رگرسیون خطی چندگانه به شرح زیر استفاده شده است:

$$RET_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 SMOOTH_{i,t} + \beta_2 PISMOOTH_{i,t} + \beta_3 \Delta TI_{i,t} + \beta_4 \Delta PBTI_{i,t} + \beta_5 \Delta TI_{i,t} * SMOOTH_{i,t} + \beta_6 \Delta PBTI_{i,t} * PISMOOTH_{i,t} + \varepsilon$$

که در این دو مدل:

$RET_{i,t}$: نشانگر بازده سهام برای شرکت i در سال t می باشد و متغیر وابسته در این مدل می باشد.

$\Delta TI_{i,t}$: بیانگر تغییر در درآمد مشمول مالیات شرکت i طی دوره زمانی $t-1$ تا t همگن شده با ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در ابتدای سال می باشد.

$\Delta PBTI_{i,t}$: بیانگر تغییر در سود قبل از مالیات شرکت i طی دوره زمانی $t-1$ تا t همگن شده با ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در ابتدای سال می باشد.

$SMOOTH_{i,t} * \Delta TI_{i,t}$: اثر متقابل تغییر در درآمد مشمول مالیات با هموارسازی درآمد مشمول مالیات می باشد.

$PISMOOTH_{i,t} * \Delta PBTI_{i,t}$: اثر متقابل تغییر در سود قبل از کسر مالیات با هموارسازی سود قبل از کسر مالیات می باشد.

۶- یافته های پژوهش

۶-۱- آمار توصیفی

شاخص های توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، مقدار حداقل و حداکثر در جدول شماره (۱) ارائه شده است. تعداد سال- شرکت بررسی شده ۴۶۰ مورد می باشد. چنانچه به آمار توصیفی مربوط به نرخ مؤثر مالیاتی نقدی (CASHETR) توجه شود نکات ظریفی مشخص می شود. حداقل نرخ مؤثر مالیاتی ۰٪ می باشد و این نشان دهنده این است که برخی شرکت ها علی رقم این که سود گزارش می کنند لیکن هیچگونه مالیاتی پرداخت نمی کنند. میانگین نرخ مزبور تقریباً ۱۳٪ می باشد. این در حالی است که نرخ مالیاتی شرکت های پذیرفته شده در بورس ۲۲/۵٪ می باشد. میانگین مربوط به متغیر شدت سرمایه گذاری در دارایی های ثابت (CAPINT) حاکی از آن است که متغیر مزبور تقریباً یک چهارم از ساختار دارایی های شرکت را تشکیل می دهد.

جدول شماره (۱): آمار توصیفی متغیرها

عنوان متغیرها	میانگین	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم
CASHETR	۰/۱۲۵	۰/۰۸۶	۰/۵۰۶	۰/۰۰۰
SMOOTH	-۰/۰۱۱	۰/۰۰۹	۰/۰۰۰	-۰/۰۶۲
PISMOOTH	-۰/۰۵۰	۰/۰۴۱	-۰/۰۰۲	-۰/۲۷۲
LEV	۰/۶۳۲	۰/۱۵۵	۰/۹۹۶	۰/۱۵۵
CAPINT	۰/۲۵۵	۰/۱۶۶	۰/۹۲۱	۰/۰۰۳
ROA	۰/۱۸۲	۰/۱۳۴	۰/۶۵۷	۰/۰۰۰
SIZE	۱۱/۵۷۵	۰/۶۵۷	۱۳/۳۱۱	۱۰/۱۱۶
RET	۰/۱۹۹	۰/۵۴۷	۲/۶۹۶	-۰/۷۶۹
ΔTI	۰/۰۰۵	۰/۰۸۹	۰/۳۹۰	-۰/۳۱۷
$\Delta PBTI$	۰/۰۲۰	۰/۱۰۴	۰/۶۴۷	-۰/۴۴۳
$\Delta TI * SMOOTH$	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۷	-۰/۰۰۶
$\Delta PBTI * PISMOOTH$	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	۰/۰۴۵	-۰/۰۵۷

۲-۶- نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها

در این پژوهش برای اینکه بتوان مشخص نمود که آیا استفاده از روش داده های پانل در برآورد مدل مورد نظر کارآمد خواهد بود یا نه از آزمون چاو استفاده گردیده است. اگر در آزمون چاو روش داده های پانل انتخاب شد، لازم است تا آزمون هاسمن نیز انجام شود. از آزمون هاسمن برای تعیین استفاده از الگوی اثرات ثابت در مقابل الگوی اثرات تصادفی استفاده می شود. فرضیه صفر و یک آزمون چاو بدین صورت است:

H_0 : داده ها از نوع ترکیبی می باشند (Pool).

H_1 : داده ها از نوع ترکیبی نمی باشند (Panel).

با توجه به نتایج بدست آمده در جدول شماره (۲)، سطح معنی داری آماره F برای مدل اول کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد که برتری استفاده از روش داده های panel در برابر داده های pool را در سطح اطمینان ۰/۹۵ نشان می

دهد. همچنین سطح معناداری آماره F برای مدل دوم بزرگتر از ۰/۰۵ می باشد بنابراین فرض H_0 قبول شده و روش داده های pool برای مدل دوم انتخاب شد.

باتوجه به این که روش داده های پانل برای مدل اول انتخاب شد لازم است آزمون هاسمن برای انتخاب بین مدل اثرات ثابت و تصادفی برای مدل اول انجام شود. فرضیه صفر و یک این آزمون به شرح زیر می باشد:

H_0 : داده ها با اثرات تصادفی انتخاب می شوند.

H_1 : داده ها با اثرات تصادفی انتخاب نمی شوند.

باتوجه به نتایج بدست آمده در جدول شماره (۳)، سطح معناداری آماره χ^2 بدست آمده از آزمون هاسمن برای مدل اول کوچکتر از ۰/۰۵ است که نشان دهنده ارجح بودن استفاده از روش اثرات ثابت در مقابل روش اثرات تصادفی در سطح اطمینان ۰/۹۵ می باشد.

جدول شماره (۲): نتایج حاصل از آزمون چاو برای مدل های پژوهش

مدل	آماره F	درجه آزادی	P-Value	نتیجه	روش تایید شده
مدل ۱	۷/۱۹۹	(۹۱/۲۷۰)	۰/۰۰۰	رد H_0	روش داده های Panel
مدل ۲	۰/۶۹۱	(۹۱/۲۷۰)	۰/۹۸۰	قبول H_0	روش داده های Pool

جدول شماره (۳): نتایج حاصل از آزمون هاسمن برای مدل اول پژوهش

مدل	آماره χ^2	درجه آزادی	P-Value	نتیجه	روش تایید شده
مدل ۱	۲۸/۱۹۸	۶	۰/۰۰۰	رد H_0	روش اثر ثابت

۶-۲-۱- نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول

برای آزمون فرضیه اول از رگرسیون حداقل مربعات معمولی در قالب داده های Panel استفاده شده است. همچنین برای بررسی همبستگی بین پسماندها از آماره دوربین واتسون استفاده شده است. آماره دوربین واتسون به دست آمده از جدول تجزیه و تحلیل مدل ابتدا با آماره موجود در جداول آماری مقایسه شده و پس از مشخص شدن اینکه همبستگی موجود است یا خیر، به رفع آن اقدام می شود. با توجه به حجم نمونه (۹۲) و تعداد متغیرهای توضیحی (۶) و سطح معنی داری مدل (۰/۰۵)، این آماره باید بین اعداد ۱/۸۰ و ۲/۱۹۹ باشد تا مشکل خود همبستگی وجود نداشته باشد. همان طور که در جدول شماره (۴)، مشخص است، آماره دوربین واتسون ۱/۸۶ می باشد که بیانگر عدم وجود مشکل خود همبستگی می - باشد. همچنین آماره F بدست آمده در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنی دار است، بنابراین کل مدل از لحاظ آماری معنی دار است.

در فرضیه اول پیش بینی شد که بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات و اجتناب از مالیات آتی رابطه ی معنی داری وجود دارد. جهت سنجش اجتناب از مالیات آتی به پیروی از دیرنگ و همکاران از نرخ مؤثر مالیاتی نقدی استفاده شده است. به عقیده دیرنگ و همکاران (۲۰۰۸) مقادیر پایین تر نرخ مؤثر مالیاتی نقدی نشان دهنده میزان اجتناب از مالیات آتی بیشتر می باشد. ضریب هموارسازی درآمد مشمول مالیات، (۰/۲۸۰-)، آماره t، (۲/۷۸۱-) و سطح معناداری (۰/۰۰۵) می باشد. با توجه به این که ضریب SMOOTH منفی و سطح معنی داری کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد، بنابراین رابطه ای منفی و معنی دار بین این متغیر و نرخ مؤثر مالیاتی نقدی وجود دارد. به عبارت دیگر رابطه ی مثبت و معنی دار بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات و اجتناب از مالیات آتی در سطح اطمینان ۰/۹۵ وجود دارد. در نتیجه فرضیه اول پژوهش تأیید می شود. این نتیجه، بابت نتیجه می بری و همکاران (۲۰۱۲)، گراهام (۱۹۹۶) و شولین (۱۹۹۰) مطابقت دارد.

جدول شماره (۴): نتایج حاصل از برازش مدل اول

CASHETR _{i,t+3} =α0+β1SMOOTH _{i,t} +β2PISMOOTH _{i,t} +β3LEVI _{i,t} +β4CAPINT _{i,t} +β5ROAi,t+β6SIZE _{i,t} +ε			
عنوان متغیرها	ضریب	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت	-۰/۲۴۲	-۱/۱۵۹	۰/۲۴۷
SMOOTH	-۰/۲۸۰	-۲/۷۸۱	۰/۰۰۵
PISMOOTH	-۰/۱۷۶	-۴/۶۵۴	۰/۰۰۰
LEV	-۰/۰۳۰	-۷/۴۱۴	۰/۰۰۰
CAPINT	-۰/۰۲۶	-۱/۵۵۱	۰/۱۲۲
ROA	۰/۱۳۱	۳/۵۱۳	۰/۰۰۰
SIZE	۰/۰۳۲	۱/۷۲۳	۰/۰۸۶
R2 تعدیل شده	آماره F	سطح معناداری F	آماره دوربین واتسون
۰/۶۶	۸/۰۷	۰/۰۰	۱/۸۶

۶-۲-۲- نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم

قبل از تجزیه و تحلیل اثر هموارسازی درآمد مشمول مالیات بر محتوای اطلاعاتی آن ابتدا لازم است مشخص شود که آیا درآمد مشمول مالیات توان تبیین بازده سهام را دارد. در جدول شماره (۵)، β_1 ضریب واکنش درآمد مشمول مالیات را نشان می دهد.

همان طور که در جدول شماره (۵)، مشخص است، آماره F بدست آمده در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنی دار است، بنابراین کل مدل از لحاظ آماری معنادار است. برای بررسی همبستگی بین پسماندها از آماره دوربین واتسون استفاده شده است. با توجه به حجم نمونه (۹۲) و تعداد متغیرهای توضیحی (۱) و سطح معناداری مدل (۰/۰۵)، این آماره باید بین اعداد ۱/۶۷۹ و ۲/۳۲۱ باشد تا مشکل خود همبستگی وجود نداشته باشد. با توجه به جدول شماره (۵)، آماره ی دوربین واتسون ۱/۹۱ می باشد که بیانگر عدم وجود مشکل خود همبستگی می باشد. ضریب ΔTI (۱/۴۵۲)، آماره t (۸/۹۹۴) و سطح معنی داری (۰/۰۰۰) می باشد و باتوجه به این که ضریب ΔTI مثبت

و سطح معنی داری کوچکتر از ۰/۰۵ است، بنابراین رابطه ای مثبت و معنی دار بین این متغیر و بازده سهام در سطح اطمینان ۰/۹۵ وجود دارد. این رابطه بیانگر این است که درآمد مشمول مالیات توان تبیین بازده سهام را دارد و دارای محتوای اطلاعاتی می باشد.

برای آزمون فرضیه دوم از رگرسیون حداقل مربعات موزون استفاده شده است. برای بررسی همبستگی بین پسماندها از آماره دوربین واتسون استفاده شده است. با توجه به حجم نمونه (۹۲) و تعداد متغیرهای توضیحی (۶) و سطح معنی داری مدل (۰/۰۵)، این آماره باید بین اعداد ۱/۸۰۱ و ۲/۱۹۹ باشد تا مشکل خود همبستگی وجود نداشته باشد. همان طور که در جدول شماره (۶)، مشخص است، آماره ی دوربین واتسون ۱/۹۱ می باشد که بیانگر عدم وجود مشکل خود همبستگی می باشد. همچنین آماره F بدست آمده در سطح اطمینان ۰/۹۵ معنی دار است، بنابراین کل مدل از لحاظ آماری معنی دار است.

جدول شماره (۵): نتایج رگرسیون درآمد مشمول مالیات بر بازده سهام

$RET_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 \Delta TI_{i,t} + \varepsilon$			
عنوان متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۱۳۹	۹/۷۲۴	۰/۰۰۰
ΔTI	۱/۴۵۲	۸/۹۹۴	۰/۰۰۰
R2 تعدیل شده	آماره F	سطح معناداری F	آماره ی دوربین واتسون
۰/۱۸	۸۰/۹	۰/۰۰	۱/۹۱

جدول شماره (۶): نتایج حاصل از برازش مدل دوم

$RET_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 SMOOTH_{i,t} + \beta_2 PISMOOTH_{i,t} + \beta_3 \Delta TI_{i,t} + \beta_4 \Delta PBTI_{i,t} + \beta_5 \Delta TI_{i,t} * SMOOTH_{i,t} + \beta_6 \Delta PBTI_{i,t} * PISMOOTH_{i,t} + \varepsilon$			
عنوان متغیرها	ضریب	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۱۰۸	۶/۵۵۶	۰/۰۰۰
SMOOTH	۱/۳۰۲	۲/۰۴۱	۰/۰۴۲
PISMOOTH	-۰/۷۰۶	-۳/۸۷۵	۰/۰۰۰
ΔTI	۰/۲۱۳	۲/۸۹۴	۰/۰۰۴
$\Delta PBTI$	۰/۷۳۱	۲/۹۰۷	۰/۰۰۳
$\Delta TI * SMOOTH$	-۳۶/۰۵۵	-۲/۱۷۷	۰/۰۳۰
$\Delta PBTI * PISMOOTH$	-۷/۰۶۷	-۳/۰۹۱	۰/۰۰۲
R2 تعدیل شده	آماره F	سطح معناداری F	آماره ی دوربین واتسون
۰/۲۰	۱۶/۲۰	۰/۰۰	۱/۹۱

در فرضیه دوم پیش بینی شد که بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات و محتوای اطلاعاتی آن رابطه‌ی معنی داری وجود دارد. همان طور که در جدول شماره (۶) مشاهده می شود ضریب $\Delta TI * SMOOTH$ (۰/۰۵۵-)، آماره t (۲/۱۷۷-) و سطح معنی داری، (۰/۰۳۰) می باشد. باتوجه به این که ضریب $\Delta TI * SMOOTH$ منفی و سطح معنی داری کوچکتر از ۰/۰۵ است، بنابراین رابطه‌ی منفی و معنی دار بین این متغیر و بازده سهام در سطح اطمینان ۰/۹۵ وجود دارد. در نتیجه فرضیه دوم پژوهش تأیید می شود. این نتیجه، بانیجه می بری و همکاران (۲۰۱۲) و کالینز و همکاران (۱۹۹۴) مطابقت دارد.

۷- نتیجه گیری و بحث

شرکت ها تمایل دارند تا نرخ مؤثر مالیاتی خود را کاهش داده و از این طریق هم سود خود را افزایش دهند و هم از خروج نقدینگی به خصوص در مواردی که شرکت بدهی مالیاتی قابل توجهی دارد جلوگیری کنند. بنابراین، شرکت ها به دنبال شناسایی مؤلفه های مؤثر بر نرخ مؤثر مالیاتی و اجتناب از مالیات می باشند. در این راستا اثر هموارسازی درآمد مشمول مالیات بر اجتناب از مالیات و محتوای اطلاعاتی آن مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از این پژوهش، بیانگر وجود رابطه ای منفی و معنی دار بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات و نرخ مؤثر مالیاتی نقدی است. به عبارت دیگر بیانگر وجود رابطه ای مثبت و معنی دار بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات و اجتناب از مالیات آتی می باشد. این یافته با این واقعیت همخوانی دارد که هموارسازی درآمد مشمول مالیات باعث کاهش عدم قطعیت در ارتباط با مزایای مالیاتی آتی می شود و به شرکت ها اجازه می دهد استراتژی های موفق تری در زمینه اجتناب از مالیات اتخاذ کنند. این نتیجه، نتایج می بری و همکاران (۲۰۱۲) گراهام (۱۹۹۶) و شولین (۱۹۹۰) را تأیید می کند. همچنین نتایج، بیانگر وجود رابطه ای منفی و معنی دار بین هموارسازی درآمد مشمول مالیات و محتوای اطلاعاتی آن است. این یافته در راستای این واقعیت است که مدیران درآمد مشمول مالیات را جهت دستیابی به

اهداف مالیاتی خاص، هموارسازی می کنند و ممکن است دست به تحریف اطلاعات موجود در درآمد مشمول مالیات بزنند و محتوای اطلاعاتی آن را کاهش دهند. این نتیجه، نتایج می بری و همکاران (۲۰۱۲) و کالینز و همکاران (۱۹۹۴) را تأیید می کند و با نتایج لو و نیسیم (۲۰۰۴) در تضاد است. بنابراین به سرمایه گذاران و تحلیلگران توصیه می شود در تخصیص منابع خود به سمت فعالیت های اقتصادی، نرخ مؤثر مالیاتی شرکت ها را مورد توجه قرار دهند. پرداخت مالیات کمتر به معنی توزیع سود بیشتر بین سهامداران می باشد؛ که این از دیدگاه سرمایه گذاری مطلوبیت دارد. با توجه به اینکه، هموارسازی درآمد مشمول مالیات، نرخ مؤثر مالیات را تحت تأثیر قرار می دهد به قانون گذاران و مقامات مالیاتی پیشنهاد می شود در اتخاذ تصمیمات به این عامل توجه کافی داشته باشند. پیشنهاد می شود سازمان امور مالیاتی، سازمان حسابرسی در هنگام حسابرسی و سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان نیز در هنگام سرمایه گذاری به این موضوع که هموارسازی درآمد مشمول مالیات در بیشتر شرکت ها به قصد تحریف صورت می گیرد و محتوای اطلاعاتی آن را کاهش می دهد توجه کافی داشته باشند.

فهرست منابع

- * حساس یگانه، یحیی و گل محمدی شورکی، مجتبی. (۱۳۹۰). رابطه بین نرخ مؤثر مالیاتی و ویژگی های شرکت، پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۲، ص: ۲۶۲-۲۴۰.
- * شمس زاده، باقر و ذکوری، وجیه الله. (۱۳۸۷). شناسایی علل اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و سود مشمول مالیات قطعی اشخاص حقوقی، فصلنامه تخصصی مالیات، شماره ۲، ص: ۱۳۵-۱۰۷.
- * نوروش، ایرج؛ سپاسی، سحر و نیک بخت، محمد رضا. (۱۳۸۴). بررسی مدیریت سود، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۲، ص: ۱۷۷-۱۶۵.
- * هاشمی، سید عباس و صمدی، ولی الله. (۱۳۸۸). آثار هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی آن در شرکت

- * Mayberry, M.A., McGuire, S. T. & Omer, T.C. (2012). Smoothing taxable income, tax avoidance, and the information content of taxable income, Working paper, Texas A&M University.
- * Myers, J. N., Myers, L. A. & Skinner, D. J. (2007). Earnings Momentum and Earnings Management, *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 22 (2), 249-284.
- * Pasternak, M. & Rico, C. (2008). Tax Interpretation, Planning, and Avoidance: Some Linguistic Analysis, *Akron Tax Journal*, 33.
- * Scholes, M. S., Wilson, G. P. & Wolfson, M. A. (1992). Firms' Responses to Anticipated Reductions in Tax Rates: The Tax Reform Act of 1986, *Journal of Accounting Research*, 30 (3), 161-185.
- * Scholes, M. S., Wolfson, M. A., Erickson, M., Maydew, E. L. & Shevlin, T. (2001). *Taxes and Business Strategy*, 2nd ed. Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall.
- * Shevlin, T. (1990). Estimating Corporate Marginal Tax Rates with Asymmetric Tax Treatment of Gains and Losses, *Journal of the American Taxation Association*, 11 (2), 51.
- * Tucker, J.W. & Zarowin, P.A. (2006). Does Income Smoothing Improve Earning Informativeness, *The Accounting Review*, 81(1), 252-270
- های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله تحقیقات حسابداری، شماره ۱، ص: ۱۶۷-۱۴۸.
- * Ayers, B. C., Jiang, J. & Laplante, S.K. (2009). Taxable Income as a Performance Measure: The Effects of Tax Planning and Earnings Quality, *Contemporary Accounting Research*, 26 (1), 15-54.
- * Ayers, B. C., Laplante, S. K. & Schwab, C. (2011). Does Tax Deferral Enhance Firm Value? University of Georgia, Working Paper.
- * Collins, D. W., Kothari, S. P., Shanken, J. & Sloan, R. G. (1994). Lack of timelines and noise as explanations for the low contemporaneous return-earnings association, *Journal of Accounting & Economics*, 18 (3), 289-324.
- * DeFond, M. L. & Park, C. W. (1997). Smoothing income in anticipation of future earnings, *Journal of Accounting & Economics*, 23 (2), 115-139.
- * Dyreng, S. D., Hanlon, M. & Maydew, E. L. (2008). Long-Run Corporate Tax Avoidance, *Accounting Review*, 83 (1), 61-82.
- * Graham, J. R. (1996). Proxies for the corporate marginal tax rate, *Journal of Financial Economics*, 42 (2), 187-221.
- * Graham, J. R. & Smith, C.W. (1999). Tax Incentives to Hedge, *Journal of Finance*, 54 (6), 2241-2262.
- * Guan, L. & Pourjalali, H. (2010). Effect of Cultural Environment and Accounting Regulation On Earning Management: A Multiple Year-Country Analysis, *Asia-Pacific, Journal of Accounting & Economics*, 17, 99-127.
- * Guenther, D. A. (1994). Earnings Management in Response to Corporate Tax Rate Changes: Evidence from the 1986 Tax Reform Act, *Accounting Review*, 69 (1), 230-243.
- * Hanlon, M., Laplante, S. K. & Shevlin, T. (2005). Evidence for the Possible Information Loss of Conforming Book Income and Taxable Income, *Journal of Law & Economics*, 48 (2), 407-442.
- * Hanlon, M. & Slemrod, J. (2009). What does tax aggressiveness signal? Evidence from stock price reactions to news about tax shelter involvement, *Journal of Public Economics*, 93(1/2), 126-141.
- * Hanway, K. & Vance, S. (2010). Accounting Method Changes and Elections to Increase Taxable Income, In *What's New in Tax*, edited by L. KPMG.
- * Lev, B. & Nissim, D. (2004). Taxable Income, Future Earnings, and Equity Values, *Accounting Review*, 79 (4), 1039-1074.

یادداشت‌ها

- ¹ . Lev & Nissim
- ² . Hepworth
- ³ . Defond & park
- ⁴ . Ayers et al
- ⁵ . Guenther
- ⁶ . Hanway & Vance
- ⁷ . Pasternak & Rico
- ⁸ . Hanlon & Slemrod
- ⁹ . Mayberry et al
- ¹⁰ . Jiang & Laplante
- ¹¹ . Guan & Pourjalali